امام خمینی و ارزش بسیج مردمی

در این ایام که یک جنگ نابرابر و جنایت‌کارانه بر ایران عزیز تحمیل شده است، آنچه در کنار رشادت سلحشورانه رزمندگان اسلام، این جنگ را پیروزمند جلوه می‌دهد، حضور مردم در میدان و حمایت پرشور از فرزندان خود در جبهه‌های نبرد است، امری که امام‌خمینی از دهه‌ها پیش آن را تجربه کرده و در تمامی مراحل سیاست‌ورزی خود بر بسیج مردمی برای تحقق اهداف خود بهره گرفت. با پیروزی انقلاب اسلامی و قطع دست بیگانگان از ایران، توطئه‌ها و نقشه‌های آنان روزبه‌روز علیه انقلاب اسلامی گسترش می‌یافت. نمونه بارز آن آنجا بود که امام‌خمینی با توجه به این شرایط در پنجم آذر ۱۳۵۸ پس از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا و حرکت ناوگان آمریکا به منطقه و حادثه پاوه در کردستان، دستور تشکیل ارتش بیست‌میلیونی را صادر کرد. ایشان دفاع از اسلام و کشور را وظیفه همه مردم دانست و جهت انجام این وظیفه فراگرفتن فنون نظامی ازجمله تیراندازی و سوارکاری را ضروری شمرد و تأکیدکرد کشوری که بیست‌میلیون جوان دارد باید بیست میلیون بسیجی داشته باشد. ایشان در اول اسفند ۱۳۵۸ به مناسبت هفته بسیج در پیامی به ملت ایران ضمن تشکر از استقبال جوانان از بسیج عمومی، دفاع از کشور را در مواقع خطر، تکلیفی شرعی و ملی شمرد و بر همه قشرها و جریان‌ها آن را واجب دانست و یادآور شد در این مقطع حساس که ملت با دشمنانِ سرسخت و ابرقدرت‌ها به‌ویژه آمریکا رویارو شده، موظف است خودش را از جهت مادی و معنوی آماده کند.

از نگاه امام خمینی سپاه و ارتش بدون پشتوانه مردمی فاقد کارایی لازم هستند. بنابراین در پیامی همگان را به بسیج همه‌جانبه نظامی، عقیدتی، اخلاقی و فرهنگی فرا خواند و خواستار آن شد که همراه با آموزش‌های نظامی و پارتیزانی و چریکی، خود را از نظر معنوی نیز مجهز کنند. ایشان در پایان جنگ تحمیلی در سال ۱۳۶۷ نیز بر ضرورت تعلیم و تعلم مسائل نظامی تأکید کرد و با اشاره به فلسفه ایجاد بسیج یادآور شد ملتی که در خط اسلام ناب محمدی و مخالف با استکبار و پول‌پرستی و تحجر و مقدس‌نمایی قرار دارد، همه افرادش باید بسیجی باشند و همه فنون نظامی و دفاعی لازم را فرا گیرند؛ زیرا ملتی در هنگامه خطر سربلند است که آمادگی‌های لازم رزمی را داشته باشد.

اصل ۱۵۱ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز اهمیت و ضرورت بسیج را از منظر قانون‌گذاری نشان می‌دهد. این اصل، برابر آیه شصت سوره انفال، دولت را موظف می‌کند برای همه افراد کشور برنامه و امکانات آموزش نظامی را طبق موازین اسلامی فراهم کند به طوری که همه افراد، همواره توانایی دفاع مسلحانه از کشور و نظام جمهوری اسلامی ایران را داشته باشند.

با آغاز جنگ تحمیلی عواملی چند ازجمله سوء استفاده رئیس‌جمهور وقت از بسیج به عنوان اهرم قدرت علیه نیروهای انقلابی و جلوگیری از دوباره‌کاری و ایجاد ارگان‌های موازی و شرایط جنگی کشور مجلس شورای اسلامی در ۱۳۵۹/۱۰/۲۸سازمان بسیج ملی (مستضعفین) را در سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ادغام کرد و مرحوم شهید محمدعلی رجایی نخست‌وزیر طی نامه‌ای در ۱۳۵۹/۱۱/۲۱این ادغام را به سپاه پاسداران اعلام کرد. سرانجام در ۱۳۶۱/۶/۱۵ اساسنامه بسیج در ضمن اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به تصویب مجلس شورای اسلامی رسید.

اهداف و وظایف

امام خمینی معتقد بود بسیج تنها مربوط به ایران نیست، بلکه در هر کجای جهان مظلومی باشد بسیج نیز باید باشد. علاوه بر این، بسیجیان جهان اسلام باید در فکر ایجاد حکومت بزرگ اسلامی باشند و این شدنی است زیرا بسیج منحصر به ایران نیست و باید نقشه‌های مقاومت را در تمام جهان به وجود آورد و در مقابل شرق و غرب ایستاد. از دیگر اهداف اصلی امام‌خمینی در تشکیل بسیج مستضعفین در کنار دفاع محرومان از انقلاب اسلامی، حاکمیت آنان در روند انقلاب بود. براساس ماده ۹ اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، برنامه‌ریزی، سازماندهی، اداره و فرماندهی و اجرای آموزش‌های عقیدتی، سیاسی و نظامی اعضای بسیج مستضعفین طبق موازین اسلامی بر عهده سپاه قرار داده شده و به منظور اجرای این ماده وظایفی بر عهده بسیج گذاشته شده است. آموزش نظامی در حد توانایی دفاع از جمهوری اسلامی ایران و تمامیت ارضی کشور، تعلیم و تربیت در زمینه‌های عقیدتی، سیاسی و تخصص‌های مورد نیاز، تهیه طرح‌های دفاعی با هماهنگی دیگر ارگان‌های مربوط. افزون بر همه اینها، همه سازمان‌های فعال در آموزش نظامی به جز سازمان نظام وظیفه عمومی زیر نظر بسیج قرار گرفت.

***امام خمینی با توجه به این شرایط در پنجم آذر ۱۳۵۸ پس از تسخیر لانه جاسوسی آمریکا و حرکت ناوگان آمریکا به منطقه و حادثه پاوه در کردستان، دستور تشکیل ارتش بیست میلیونی را صادر کرد**

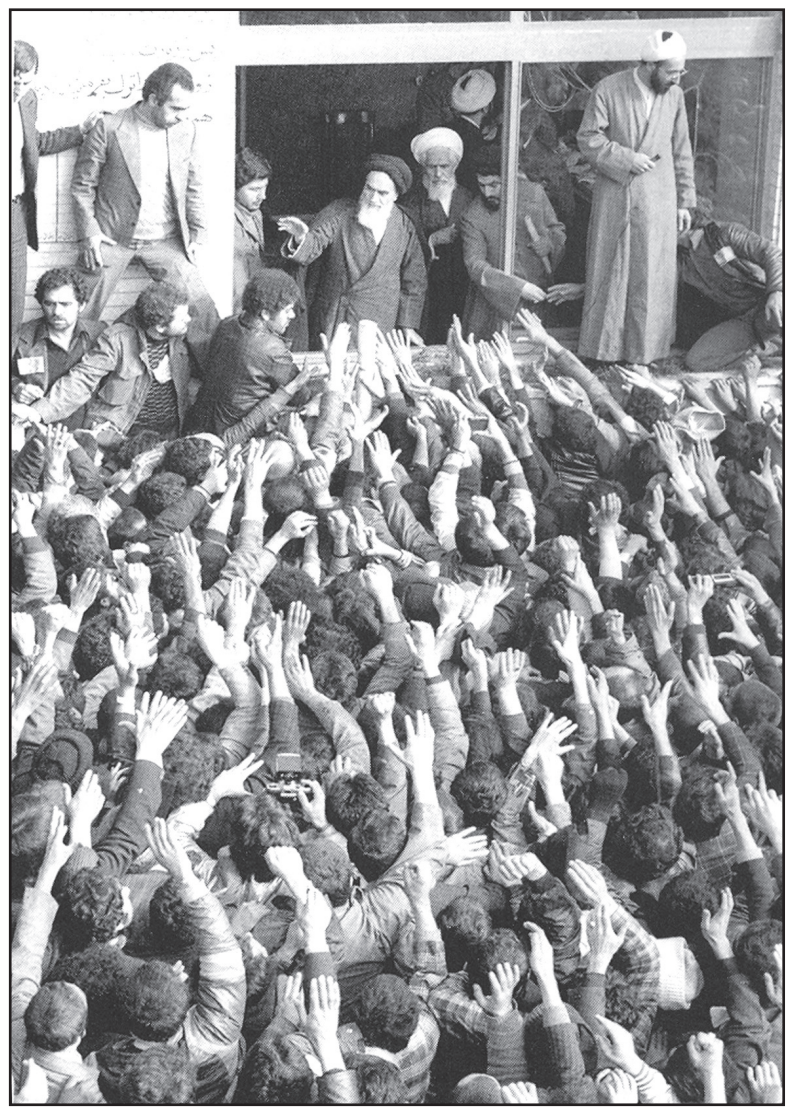

جایگاه و اهمیت

در میان نهادهای جمهوری اسلامی، بسیج از عظیم‌ترین و ارزشمندترین و ماندگارترین یادگارهای امام‌خمینی است. بسیج در نظام دفاعی کشور نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. این نهاد هرچند ارتش کلاسیک به معنای اصطلاحی نیست، ولی قدرت برخورد با ارتش‌های مهاجم کلاسیک را به‌خوبی دارد. بسیجیان بیشتر بر ایمان و اعتقاد تکیه می‌کنند تا بر سلاح و با همین نیرو در جنگ تحمیلی عراق علیه ایران، حماسه‌ها آفریدند و در دل دشمنان وحشت افکندند و خواب را از چشم آنان ربودند. در زمان جنگ تحمیلی روزنامه آمریکایی «نیوزویک» در گزارشی نیروهای بسیجی را که از افرادی با سنین مختلف تشکیل شده‌اند، بزرگ‌ترین تهدید برای عراق به‌شمار آورد. او همچنین تسخیر «فاو» را که به اطلاعات پیشرفته نظامی و آشنایی کامل با رزم شبانه و تاکتیک‌های آبی ـ خاکی نیاز داشت، نشانه مهارت و ورزیدگی بسیج دانست.

از نگاه امام‌خمینی بسیج در میان نیروهای مسلح از جایگاه خاصی برخوردار است. ایشان در سخنان و دیدارهای عمومی و خصوصی به بسیجیان توجه ویژه‌ای داشت، تا جایی که از برخی بسیجیان، با عنوان سربازان واقعی خود یاد کرده است. ایشان به بسیج به دیده تجلیل و تکریم می‌نگریست و پس از دعا و تشکر از آنان، آنان را ازجمله بهترین همراهان خود می‌دانست و به صفا و خلوص آنان غبطه می‌خورد و به بسیجی بودن خود افتخار می‌کرد و از خدا نیز می‌خواست که او را با بسیجیان محشور کند. ایشان می‌گفت دست بسیجیان را می‌بوسد و برایشان دعا می‌کند. ایشان که به رزمندگان و بسیجان علاقه و محبت زیادی داشت و از دیدار آنان لذت می‌برد و این محبت را نیز بارها در عمل نشان داده بود تشکیل بسیج در جمهوری اسلامی ایران را از برکات و الطاف خداوند می‌دانست که به ملت و انقلاب اسلامی ایران ارزانی شده است و معتقد بود هسته‌های مقاومت مردمی برای مقابله با استکبار شرق و غرب باید در سرتاسر جهان تأسیس شوند و بر آن بود که در صورت حاکم‌شدن اندیشه بسیجی، چشم طمع دشمنان و جهانخواران از کشور دور خواهد شد و غفلت از تشکیل ارتش بیست‌میلیونی سقوط در دام دو ابرقدرت جهانی (آمریکا و شوروی) را به دنبال خواهد داشت.

***امام خمینی معتقد بود بسیج تنها مربوط به ایران نیست، بلکه در هر کجای جهان مظلومی باشد بسیج نیز باید باشد**

امام‌خمینی با توجه به حماسه‌آفرینی‌های بسیج در هشت سال دفاع مقدس و ایستادگی آنان در برابر همه قدرت‌های جهانی، آنان را آینه مجسم مظلومیت‌ها و رشادت‌های مردم ایران در صحنه نبرد و تاریخ مصور انقلاب، فرزندان دفاع مقدس و پرچمداران عزت مسلمانان و سپر حوادث کشور خواند. ایشان در بُعد جهانی با اشاره به جنایت رژیم عربستان در حمله و کشتار زائران خانه خدا در سال ۱۳۶۶، اعلام کرد اگر بسیج جهانی مسلمانان تشکیل شود، کسی جرئت جسارت به فرزندان معنوی رسول‌الله(ص)، را ندارد. امام‌خمینی با وجود مخالفت بنی‌صدر رئیس‌جمهور وقت با بسیج مردمی و بی‌توجهی به نقش نیروهای داوطلب بسیج را بازوان قدرتمند جمهوری اسلامی خواند و بارها از این نهاد به دلیل فداکاری در راه اسلام قدردانی و تشکر کرد. ایشان بسیج و نیروهای خودجوش و داوطلب برای خدمت را لشکر مخلص خدا که دفتر تشکل آن را همه مجاهدان از اولین تا آخرین امضا کرده‌اند می‌دانست و کار بسیجیان را عبادت و منزلت و شرافت آنان را از همه کاخ‌نشینان و مدعیان قدرت‌های جهانی بیشتر می‌دانست.

امام‌خمینی پس از پایان جنگ نیز انقلاب و جمهوری اسلامی به‌ویژه سپاه پاسداران را نیازمند نیروهای بسیجی می‌دانست. ایشان سهم قوای مسلح و بسیجیان را در درهم‌پیچیدن طومار قوای دشمن در عملیات‌ها بااهمیت و اداره جنگ را مدیون پشتیبانی مردم و بسیج می‌دانست. فرماندهان جنگ نیز انسجام بسیج و ارتش و سپاه را از عوامل پیروزی رزمندگان ایرانی در شکست حصر آبادان برشمرده‌اند آرزوی امام‌خمینی در الگوشدن بسیج برای تمام مستضعفان جهان و ملت‌های مسلمان در سال‌های بعد تبدیل به واقعیت شد و رفتار و فداکاری بسیجیان، الگو و پرچمی برای دنیای اسلام به‌ویژه در نقاطی چون فلسطین و لبنان شد که مستقیماً درگیر با رژیم صهیونیستی بودند. تأسی به الگوی بسیج برای جهان اسلام آبرو و پیروزی به ارمغان آورد.

نقش مردم در برپایی و تداوم جمهوری اسلامی

حمید فاضل قانع

هر نظام سیاسی بر بنیان روابط مردم و حکومت استوار است. این روابط و نقشی که نظام‌های سیاسی برای مردم تعریف می‌کنند بسیار گوناگون و متغیر است. حکومت در پرتو هنجارهای اجتماعی و برقراری عدالت، از منافع مردم حفاظت می‌کند و مردم با محدودشدن گستره آزادی‌های طبیعی بهای منافع حضور در جامعه را می‌پردازند. در چنین ساختاری، رهبران نظام‌های سیاسی تمایل بسیاری برای بهره‌گیری از اقتدار دارند و از آنجاکه هیچ انسان آزادی از روی اراده و اختیار حکومت خودکامه را برنمی‌تابد مردم می‌کوشند تا جایگاه خود را در نظارت بر رفتار زمامداران حفظ و قدرت را مهار کنند. فیلسوفان متقدم غربی، برای رأی مردم و جمهوریت جایگاهی در حکومت قائل نبودند و زمامداران را فیلسوفانی ممتازتر از دیگر مردم می‌شمردند. همچنین در قرون وسطا، اعتقاد به شهر خدا و قرائت خداسالارانه از حکومت، هیچ جایی برای اراده یا رضایت مردم در حکومت باقی نمی‌گذاشت. مردم صرفاً ملزم به پیروی بودند و دارای هیچ حقی در مقابل حاکم نبودند. رویارویی با حاکمیت مطلق کلیسا، موجب شد حاکم خود را نماینده مردم و در مقابل آنان متعهد و مسئول بداند و به‌تدریج، مردم به عنوان منبع اصلی قدرت سیاسی معرفی شدند و جامعه مدنی و سیاسی، مرکز ثقل تصمیمات سیاسی شد. در این دوره انسان به مقتضای قوانین طبیعی، با عنوان فردیت صاحب حقوق سیاسی و شهروندی شد و مردم حق رأی یافتند.

جایگاه مردم و نفی و اثبات نقش آنان در برپایی حکومت و مقبولیت و کارآمدی آن، در اندیشه‌ورزی‌های سیاسی و اجتماعی مسلمانان معاصر نیز مورد توجه بوده‌است؛ زیرا حاکمیت دین در جامعه همواره نیازمند حضور اجتماعی مردم و اتحاد آنان بر محور حق است. رویکرد اثباتی درباره نقش و جایگاه مردم، برگرفته از آن دسته از آموزه‌های اسلامی است که هر گونه جدایی میان اجتماع و سیاست را رد می‌کند. در همین چارچوب، امام‌خمینی با تکیه بر مبانی فقهیِ خویش، دیدگاه مردم درباره نظام سیاسی مناسب برای جامعه را کاملاً معتبر می‌داند و تعیین نظام سیاسی و نوع حکومت را به آرای مردم وا می‌گذارد؛ بر این اساس، مشروعیت قدرت در عصر غیبت که به صورت نصب عام مشخص شده‌است، در پرتو اراده و رأی مردم معنا پیدا می‌کند. این رویکرد موجب شد نخستین اقدام امام‌خمینی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، پیشنهاد برگزاری همه‌پرسی برای تعیین ساختار سیاسی کشور و اعلام صریح تبعیت از رأی مردم در این مورد باشد. اصل ششم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم، اداره امور کشور را به آرای عمومی مردم (انتخابات و همه‌پرسی) متکی می‌داند.

از نگاه امام‌خمینی، قدرت مردم زمانی که متکی بر نیروی معنوی باشد، بزرگ‌ترین قدرت شناخته شده‌است و پیروزی همواره قرین قدرت مردمی است. ایشان که با شناخت دقیق از مردم ایران و با تکیه بر اخلاق اسلامی، به مردم و اندیشه‌ها و انتظارات آنان کاملاً نزدیک بود، تعامل خیرخواهانه با مردم را یک اصل مهم در روابط اجتماعی می‌شمرد و به شیوه‌های گوناگون می‌کوشید تا یکپارچگی و همبستگی را میان مردم نهادینه کند و برای تحقق این شاخص به‌خوبی از فرصت‌ها استفاده می‌کرد. از این‌رو همواره به مدیران جامعه اسلامی، اهمیت نظر مردم را یادآوری کرده، تأکید می‌کرد نظر مردم و رضایت آنان را جلب کنند و متوجه نقش و جایگاه مردم در پایداری حکومت باشند. ایشان با ترجیح ساختار «جمهوری» برای حکومت و پیشنهاد آن به مردم ایران، ویژگی‌های نظام سیاسی مبتنی بر جمهوریت را بر سر کار آمدن با آرای مردم؛ عمل نکردن برخلاف میل مردم و حفظ مردم می‌دانست. با توجه به این ویژگی‌ها و با تکیه بر نگاه ابزاری امام‌خمینی به حکومت و قدرت برای تحقق عدالت و تأمین سعادت مردم ایشان مردم را به بهره‌گیری از این حق شرعی و قانونی خود برای مشارکت در برپایی نظام سیاسی مطلوب و نیز مشارکت در اداره آن تشویق می‌کرد.

امام‌خمینی در جایگاه رهبری نظام جمهوری اسلامی، بر این باور بود که حکومت بدون مجوز شرعی مصداق حکومت طاغوت و باطل است و مشروعیت حکومت به تأیید و تجویز شرع مقدس با ولایت فقیه است؛ در عین حال تولّی امور مسلمانان و تشکیل حکومت، به رضایت و توافق همگانی مردم باشد. در چنین نظامی اراده جمعی همواره حاکم است و حرف اول را می‌زند و قدرت زمامدار نمی‌تواند مطلق و بی‌حد باشد؛ زیرا هم با طبیعت انسان در تعارض است، هم با هدف انسان‌ها از تشکیل اجتماع و تفویض قدرت به حکومت در تناقض خواهد بود. امیرالمؤمنین علی(ع) در سخنان خود، به نقش رأی و خواست مردم در حکومت و نیز نظرات شورای مهاجرین و انصار و اهل حل و عقد اشاره کرده است.

باید توجه داشت که حق و مسئولیت همواره رابطه‌ای دوسویه‌اند. امام‌خمینی با تأکید بر حقوق متقابل مردم و حکومت، حضور اجتماعی مردم و مشارکت فعال آنان در زمینه‌های اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را هم یک حق می‌شمرد، هم وظیفه اجتماعی و تکلیف شرعی، که بی‌توجهی به آن پیامدهای ناگوار اجتماعی در پی دارد؛

***امام خمینی بر این باور بود که رفتار صادقانه و صمیمانه با مردم، حتماً یاری آنان را در شرایط سخت در پی خواهد داشت و این یاری می‌تواند یک نظام سیاسی را به حکومتی شکست‌ناپذیر تبدیل کند**

به همین دلیل، ایشان با تأکید بر ضرورت مشارکت مردم و هوشیاری آنان در انتخابات، آن دسته از جریان‌های سیاسی را که مانع حضور فعال مردم بودند، سرزنش می‌کرد. از نظر ایشان مردم همان‌گونه که در گزینش زمامدار جامعه، نقش‌آفرین‌اند، در پشتیبانی از حکومت و برای افزایش کارآمدی آن نیز باید مشارکت و مداخله فعال داشته باشند؛ زیرا واقعیت اجتماعی نشان داده‌است که کارایی حکومت تنها در پرتو همراهی مردم محقق می‌شود و بدون مردم نمی‌شود کار کرد و موفقیت حاصل نمی‌شود. اساساً پشتیبانی مردم و آگاهی و هوشیاری آنان از منابع قدرت در جمهوری اسلامی ایران است و امام‌خمینی حضور مردم را موجب در امان‌ماندن جمهوری اسلامی از آسیب برمی‌شمرد؛ چنان‌که بی‌توجهی مردم نیز از عوامل مهم آسیب‌پذیری کشور است.

امام‌خمینی فراتر از مشارکت، از مردم می‌خواست بر عملکرد برگزیدگان خویش نظارت دایمی داشته باشند و مانع لغزش آنان شوند. «نظارت» یکی از مهم‌ترین حقوق دوسویه است. از یک سو، حکومت موظف است تا برای ترویج ارزش‌ها و تعالی اندیشه‌ها، بر جامعه اسلامی نظارت کند و ازسوی دیگر، مردم وظیفه دارند تا با نظارت بر سیاست‌گذاری‌های دولت، نظرهای مشورتی خود را برای مردم در برابر یکدیگر، دولت در برابر مردم و مردم در برابر دولت می‌داند که شرایط و حدود و کیفیت آن، در قانون معین شده‌است. افزون بر موارد گفته شده، از نگاه امام‌خمینی از مهم‌ترین حقوق مردم در برابر زمامداران می‌توان به برابری با دولت‌مردان، پذیرش و عزل حاکمان سیاسی نصیحت، طرح اشکال، انتقاد و اعتراض رفاه، آسایش و امنیت، آزادی انجام فرایض دینی و مذهبی برای پیروان همه ادیان و مذاهب، آموزش، آزادی اظهار عقیده برای همه ازجمله اقلیت‌های دینی و مذهبی، انتخاب‌شدن و انتخاب‌کردن و آزادی و استقلال کامل در رأی، برخورداری از حریم خصوصی و آزادی‌های اجتماعی و سیاسی مانند تحزّب، اجتماعات، بیان، قلم، اشتغال و مسکن، اشاره کرد. امام‌خمینی برای تضمین رعایت این حقوق، همواره تذکرات لازم را به دستگاه‌های قانونی کشور می‌داد که صدور بیانیه معروف هشت‌ماده‌ای از آن جمله است.

مردم در انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی

زمانی که نهادهای اجتماعی از کارکرد مناسب و مورد انتظار مردم تهی شوند، احساس نیاز جمعی به دگرگونی اجتماعی پدید می‌آید. دگرگونی‌های اجتماعی می‌تواند ساختار جامعه، نهادها یا روابط میان آنها را به صورت بنیادین متحول کند و یک انقلاب را پدیدآورد. نارضایی فراگیر اجتماعی که از طریق ساختار یا نهاد، نظم موجود را به چالش می‌کشد، به همراه آرزومندی وضع مطلوب و روحیه پرخاشگری و روحیه انکار و طرد و نفی می‌تواند منشأ انقلاب گردد؛ اما ریشه نارضایتی و انقلاب علاوه بر محرومیت‌های مادی، ارزش‌های انسانی و معنوی و متعالی و دینی هم می‌تواند باشد.

انقلاب اسلامی ایران نمونه روشنی از تلاش مردم برای کاستن فاصله خود از ارزش‌های دینی و هنجارهای اسلامی بود. جامعه مسلمان ایران در پرتو بیداری حاصل از رهنمودهای امام‌خمینی که دارای سه ویژگی ایدئولوژی‌پردازی، بسیج‌گری و سیاست‌گذاری بود، انقلابی را رقم زد که دگرگونی گسترده و فراگیر اجتماعی و براساس آن بازتولید ساختارهای اجتماعی را به دنبال داشت. بر این اساس یکی از دستاوردهای بزرگ انقلاب اسلامی ایران، همراهی مردم و افکار عمومی آنان بود که خود و توان انقلابی خویش را باور داشتند و با کوتاه‌کردن دست رژیم استبدادی که از تمام اهرم‌های دوام و بقا برخوردار بود، یک نظام اسلامی را برپا کردند.

امام‌خمینی با به‌کارگیری ظرفیت گرایش‌های مذهبی مردم در راه گسترش نهضت اسلامی، سرمایه اجتماعی را به عنوان عاملی مؤثر در حفظ روحیه انقلابی مردم تقویت کرد. باور ایشان به نقش و جایگاه سرنوشت‌ساز مردم سبب شد از نخستین مرحله آغاز مبارزه تا پیروزی و پس از آن، بر آگاهی و حضور مردم در صحنه به عنوان مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده در پیروزی و بقای نهضت تأکید کند. و در تمام بحران‌های اجتماعی و افت‌وخیزهای سیاسی، مردم را مخاطب اصلی خویش قرار داده و هیچ‌گاه در مسیر پیشبرد اهداف نهضت به گروه‌ها و جناح‌های سیاسی متوسل نشود. ایشان سیدجمال‌الدین اسدآبادی را مرد لایقی شمرده‌است؛ اما یک نقطه ضعف او را نداشتن پایگاه ملی و مذهبی در میان مردم دانسته که موجب شده زحمات وی به‌رغم همه تلاش‌هایش به نتیجه نرسد و شاهد نداشتن پایگاه مردمی وی را این شمرده که وقتی ناصرالدین‌شاه او را دستگیر و با وضع فجیع تبعید کرد، واکنشی نشان داده نشد.

انقلاب اسلامی ایران بر اثر حضور جمعیت مردمی در خیابان و اعتراض‌های مسالمت‌آمیز به پیروزی رسید، نه مبارزه مسلحانه و شورش. بیشتر جمعیت‌ها در تظاهرات، برآمده از گروه‌های ناگهانی در بازارها و دانشگاه‌ها بود و ازسوی هیچ مرکزیت متشکل و سازماندهی‌شده‌ای هدایت نمی‌شد بلکه بیشتر بر ارتباطات غیر رسمی حول مساجد محل تکیه می‌شد. گروه‌های مردمی خودانگیخته عمل می‌کردند و ارتباطشان با چهره‌های برجسته انقلاب، بیشتر از راه اعلامیه، نوارکاست و برنامه‌های خبری رادیوها بود.

امام‌خمینی نقش مردم در حدوث و بقای انقلاب را متکی به عواملی چون اتحاد و انسجام، تحول و انقلاب درونی ملت با عنایت خداوند و صبر و پایداری در راه هدف ارزیابی می‌کرد. ایشان حضور مردم در سیاست را با دین گره زد و تبلور این مشارکت را در چارچوب جمهوری اسلامی که مبتنی بر آموزه‌های اسلام و رأی مردم بود، نمایان ساخت.

بدین ترتیب، یکی از ارکان اساسی انقلاب اسلامی و بلکه رکن اصلی تحقق‌بخش آن در نگاه امام‌خمینی، مردمی برآمده از تمام اقشار جامعه بودند که نماینده گروه یا جناح و طبقه خاصی نبودند. این ویژگی انقلاب اسلامی ایران را بسیاری از نظریه‌پردازان انقلاب تأیید کرده‌اند؛ به همین دلیل امام‌خمینی انقلاب اسلامی ایران را یک انقلاب مردمی می‌دانست و مردم را ولی‌نعمت این انقلاب می‌نامید و از این‌رو همواره از مسئولان می‌خواست که به جای دامن‌زدن به اختلافات، بکوشند تا مردم را در صحنه، نگاه دارند. این احساس نیاز به حضور دایمی مردم برای پشتیبانی از نظام اسلامی، برخاسته از این باور ژرف بود که از آغاز این مردم بودند که جمهوری اسلامی را تا اینجا رساندند و همین مردم توانایی دارند که آن را به سرمنزل مقصود برسانند. از دیدگاه ایشان، تلاش برای ایجاد رضایتمندی در مردم، هم عامل ماندگاری حکومت است و هم رضایت خداوند را به دنبال دارد؛ از این‌رو به سازمان‌ها و نهادهای نظام اسلامی سفارش می‌کرد از سخت‌گیری به مردم پرهیز کنند، با آنان رفتار شایسته‌ای داشته باشند و زمینه مشارکت مردمی در فعالیت‌های دولتی را فراهم سازند.

امام‌خمینی همواره از مردم ایران به دلیل تلاش انقلابی در راه آرمان‌های اسلامی و تبلور آن در شعارالله اکبر ستایش می‌کرد و حتی آنان را برتر از مردم حجاز در عهد پیامبر خدا(ص) و بهتر از مردم عراق در عهد امیرالمؤمنین علی(ع) و امام‌حسین(ع) معرفی می‌کرد. همین نگرش موجب می‌شد که ایشان در جایگاه رهبری نظام جمهوری اسلامی ایران، خود را خدمتگزار مردم بداند و در پیش‌گرفتن این رویکرد را برای تمام کسانی که عهده‌دار مسئولیت‌های سیاسی و اجتماعی می‌شوند یک اصل و ضرورت به‌شمار آورد.

***از نگاه امام‌خمینی، قدرت مردم زمانی که متکی بر نیروی معنوی باشد، بزرگ‌ترین قدرت شناخته شده‌است و پیروزی همواره قرین قدرت مردمی است**

شیوه امام‌خمینی در زمامداری و حکومت، براساس احترام به مردم به عنوان حامیان اصلی نظام سیاسی برآمده از انقلاب اسلامی پی‌ریزی شد. ایشان با تأکید بر ستمی که در دوران طاغوت بر مردم ستمدیده رفته بود، آرزو داشت مردم شیرینی زیستن در نظام جمهوری اسلامی را به‌خوبی احساس کنند؛ از این‌رو در جایگاه حاکم اسلامی بر مسامحه و رفتار مهربانانه با مردم تأکید می‌کرد و خواستار آن بود که جهت‌گیری نظام جمهوری اسلامی بر اصلاح زندگی مردم باشد. ایشان همچنین با تأکید بر محوریت خواست مردم، مجلس شورای اسلامی را که اعضای آن، نمایندگان تمام مردم ایران و عصاره ملت‌اند در رأس همه امور می‌دانست.

باور امام‌خمینی به نقشِ مردم در تثبیت حکومت، یک باور حقیقی و اصولی بود و مردم متقابلاً این احساس پاک و بی‌شائبه را با عشق‌ورزی و عقلانیت پاسخ می‌دادند و ایشان را گران‌بهاترین دارایی فرهنگ و تاریخ خویش می‌دانستند. تلازم دو عنصر خدامحوری و مردم‌گرایی در راهبرد رهبری امام‌خمینی، تسخیر دل‌های مردم را در پی داشت. رفعت جایگاه مردم در نگرش ایشان تا آنجا بود که ایشان خدمت به مردم را خدمت به خدا و کسب رضایت آنان را کسب رضایت خدا می‌دانست. این نگرش در رفتار ایشان نیز جلوه‌گر بود؛ چنان‌که همواره تلاش می‌کرد زندگی خود را در تراز زندگی مردم قرار دهد و در سختی‌ها و مشکلات اجتماعی، برتری و امتیازی برای خود در نظر نمی‌گرفت.

ازسوی دیگر، مردم نیز خیرخواهی امام‌خمینی را با تمام وجود درک می‌کردند و همین رضایت همگانی از عملکرد رهبری موجب پیشبرد اهداف انقلاب اسلامی می‌شد؛ تا جایی که ایشان به سران کشورهای اسلامی نیز این شیوه زمامداری و حکومت بر قلب‌ها را توصیه می‌کرد. ایشان که روحیه خدمتگزاری به مردم را در سیره عملی خویش کاملاً نشان داده بود، با تجلیل از فداکاری مردم، خود را مقصر و عذرخواه در پیشگاه آنان می‌دانست و حتی در آخرین روزهای عمر خویش، با تکیه به مردم، از آنان خواست تا در پیشگاه الهی دعا کنند که او را بپذیرد. این فرایند همبستگی و انسجام اجتماعی بر محور ایمان، در جنگی طولانی که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ازسوی دشمنان و به دست رژیم بعث عراق بر ایران تحمیل شد، نیز قابل مشاهده بود. امام‌خمینی حضور مردم در میدان جنگ را ادامه انقلاب اسلامی و ایستادگی تمام اسلام در برابر تمام کفر می‌دانست و از این جهت، بر مردمی‌بودن دفاع از کشور و نقش بی‌نظیر مردم در جبهه جنگ و پشت جبهه تأکید می‌کرد. درحالی‌که دشمنان جمهوری اسلامی، با تکیه بر سلاح‌های پیشرفته نظامی مدعی برتری در جنگ بودند، امام‌خمینی از روزهای آغازین جنگ، با مخاطب قراردادن مردم، آماده‌باش و بسیج عمومی نیروها و امکانات برای دفاع از کشور اسلامی را درخواست کرد. پس از سخنان ایشان در پنجم آذر ۱۳۵۸ درباره لزوم تشکیل ارتش بیست میلیونی و تبعیت مردم از کلام ایشان، به‌تدریج «ستاد بسیج ملی ایران» تشکیل شد. حضور پرشور مردم و نیروهای بسیج در میدان دفاع از سرزمین اسلامی، موجب شد امام‌خمینی نیروهای مردمی را هنرآفرینان مدرسه عشق و شهادت بنامد و با تشکر خاضعانه از مردم فعال در جبهه و پشت جبهه، این حضور را نتیجه همراهی دولت و ملت ارزیابی کند.

امام خمینی در پرتو اعتقاد راسخی که به نقش اراده جمعی و مردمی در اداره کشور و مسائل سیاسی و اجتماعی داشت از ادامه همراهی مردم در راه انقلاب نیز مطمئن بود و بر این باور بود که مردم وظایف اجتماعی خویش را به‌درستی و شایستگی انجام داده‌اند و رفتار صادقانه و صمیمانه با مردم، حتماً یاری آنان را در شرایط سخت در پی خواهد داشت. و این یاری می‌تواند یک نظام سیاسی را به حکومتی شکست‌ناپذیر تبدیل کند.